

Cleaning the House

A: Honey, the house is such a mess! I need you to help me tidy up a bit. My boss and her husband are coming over for dinner and the house needs to be spotless!

B: I'm in the middle of something right now. I'll be there in a second.

A: This can't wait! I need your help now!

B: Alright, alright. I'm coming.

A: Ok, here's a list of chores we need to get done. I'll do the dishes and get all the groceries for tonight. You can sweep and mop the floors. Oh, and the furniture needs to be dusted.

B: You know what, I have to pick something up at the mall, so why don't you clean the floors and I'll go to the supermarket and get all the groceries.

A: Sure that's fine. Here is the list of all the things you need to get. Don't forget anything! And can you pick up a bottle of wine on your way home?

B: Hey, honey I'm back. Wow, the house looks really good!

A: Great! Can you set the table?

B: Just a sec, I'm just gonna vacuum this rug real fast.

A: Wait! Don't turn it on...

Cleaning the House

A: Honey, the house is **such a mess!** I need you to help me tidy up a bit. My boss and her husband are **coming over** for dinner and **the house needs to be spotless!**

B: I'm in the middle of something right now. I'll be there in a second.

A: **This can't wait!** I need your help now!

B: Alright, alright. I'm coming.

A: Ok, **here's** a list of chores we need to get done. I'll **do the dishes** and **get all the groceries** for tonight. You can **sweep and mop the floors**. Oh, and **the furniture needs to be dusted**.

B: You know what, I have to pick something up at the mall, so why don't you clean **the floors** and I'll go to the supermarket and get all the groceries.

A: Sure that's fine. **Here is** the list of all the things you need to get. Don't forget anything! And **can you pick up a bottle of wine on your way home?**

B: Hey, honey **I'm back**. Wow, the house looks really good!

A: Great! **Can you set the table?**

B: Just a sec, **I'm just gonna vacuum this rug real fast**.

A: Wait! Don't turn it on...

Key Vocabulary

such a mess: very dirty, disordered

خیلی کثیف، نامنظم

اینجارو حواست باشه، یکی از کاربردهای such هست.

ایشون میتونه قبل از اسم ی عبارت اسمی پیاد و پهنش شدت بده.

spotless: perfectly clean

کاملاً تمیز

Her home is **spotless**.

خونه اش خیلییییی تمیزه.

She keeps the house **spotless**.

اون خونه رو خیلییییی تمیز نگه میداره.

Every morning my mother makes sure everything is **spotless**.

هر صبح مامانم مطمئن میشه که همه چی کاملاً تمیزه.

in the middle of something: busy doing something at the moment

وقتی توی لحظه مشغول انجام کاری هستین، یعنی یه کاری رو شروع کردین و حالا در حال انجامش هستین، میتونین از ایشون استعاده کنین!

I'm in the middle of something now.

یعنی الان دستم پنده، الان مشغول یه کاری هستم.

chores: common house tasks

به کارهای خسته کننده و روتین خونگی میگن

do the chores

حالا به فعل هایی که زیاد پاهاش میاد دقت کن.

I stayed at home and **did the chores**.

یعنی همون کارهای خسته کننده خونگی رو انجام دادن

موندم خونه و کارهای خونه رو انجام دادم.

go about your chores

یعنی همون انجام دادن وظایف و کارهای خودتون توی خونه

I got up and **went about my chores**, feeding the cats and making tea.

من بلند شدم و کارهای خودمو توی خونه انجام دادم، غذا دادن به گربه ها و چای درست کردن.

help with the chores

کمک کردن به کارهای خونه

All their children help with the chores.

همه بچه هاشون توی کارهای خونه کمک میکنن.

groceries: food that you buy at a store

مواد غذایی

A bag of groceries fell off the table onto the floor.

یه بسته مواد غذایی از روی میز افتاد روی زمین.

آقا!!! جان، به جالان خودم همه مثال ها هدفمنده! از هیچ مثالی ساده نگذر! من سعی میکنم مثال هایی رو پیارم که اول رایج و کاربردی باشن و دوم اینکه از داخل همونا هم پتونین یه چیز ی یاد بگیرید! الان همین مثالو ببین:

a bag of something

یه بسته از یه چیزی

fall off the table onto the floor

از روی میز افتاد روی زمین

اینارو آروم آروم که با هم یاد بگیرید، آخر همین دوره، میبینید که چقدر ررر ساختار و الگو و جمله بلدید که همه و همه کاربردی و رایج هستن و موقع استفاده لذتشو میبرید.
درس اولیم، از چیزی ساده نگذرید!

She loaded all the groceries into the car.

اون همه ی مواد غذایی رو گذاشت توی ماشین.

حواسه باشه، ووتی شما مقدار زیاد از چیزی رو بردارید و بزارید توی ماشین، مثل مواد غذایی، مثل خریدها تون و ... به اینکار میگن load کردن!
پرعکسش میشه unload کردن، یعنی وسایل رو خالی کنی!

My arms ached from carrying all the groceries.

دستم از حمل کردن همه این مواد غذایی ها درد گرفت.

ache در نقش فعل یعنی درد گرفتن ، مثلا میگم

My back ached.

کمرم درد گرفت.

حالا میخوام بگم فلان جای من از فلان چیز درد گرفت ، میگم

My _____ ached from _____.

حواست باشه بعد از حروف اضافه از فعل ing دار استفاده میکنیم.

carry هم که یعنی حمل کردن ، چون بعد از from اومده ing میگیره.

مثلا میخوام بگم کمرم از حمل کردن جعبه ها درد گرفت :

My back ached from carrying the boxes.

میخوام بگم پاهاهم از فوتبال بازی کردن درد گرفت :

My legs ached from playing soccer.

پس کالو کیشن های رایج ما چی شد !!

a bag of groceries
load the groceries
unload the groceries
carry the groceries

راستی اینارو هم بلد باش ، دلم نیومد نگم :

grocery store

یعنی همون سوپرمارکت خودمون

I want to go to the grocery store.

grocery list

لیست مواد غذایی

grocery shopping

خرید مواد غذایی

I hate grocery shopping. I can never find what I'm looking for.

از خرید مواد غذایی متنفرم. هیچ وقت نمیتونم چیزی که دنبالش هستم رو پیدا کنم.

پریم سراغ چندتا نکته در مورد مکالمه

نکته 1:

وقتی یکی صداتون میکنه ، توی فارسی میگیم الان میام ! اومدم ! به دقیقه دیگه اونجام !
حالا توی انگلیسی وقتی چنین شرایطی داریم میتونیم بگیم :

I'll be there soon.

I'm coming.

اما به عبارت دیگه که خیلی رایج هست رو داخل مکالمه شنیدیم :

I'll be there in a second.

از اون دوتا بالای خیلی پیشتر استفاده میشه.

نکته 2:

وقتی تصمیم دارید از طرف مقابل درخواست انجام کاری رو داشته باشید میتونین به جای

Could you ...?

Would you ...?

Can you ...?

از

Why don't you ...?

استفاده کنین.

همون مفهومه ولی به نوعی خوشگل تر و چالپ تر.

خیلی رایجه ، هم داری درخواست میکنی هم داری پیشنهاد میدی!

Why don't you clean the floors?

نکته 3:

I need you to help me tidy up a bit.

یه الگوی خوشگل داریم:

I need you to help me do something.

بہت نیاز دارم کہ توی انجام فلان کار بہم کمک کنی.

I need you to help me fix the car.

بہت نیاز دارم توی تعمیر ماشین بہم کمک کنی.

یاد بگیرید فعل و فاعل و ... مثال ہارو خودتون تغییر بدید و جملہ سازی کنین ، مثلا:

I need my brother to help me tidy up the room.

بہ دادشم نیاز دارم کہ توی تمیز کردن اتاق کمک کنہ.

حالا حواست باشہ a bit یعنی یہ ذرہ.

دارہ میگہ توی انجام فلان کار یہ کم بہ کمکت نیاز دارم.

نکته 4: یہ phrasal verb داریم:

Come over

وقتی کسی come over کنہ ، میاد خونتون و شمارو میبینہ. مثلا:

Do you want to **come over** on Friday evening?

حالا اگہ طرف برای شام پیاد میگیریم:

Come over for dinner

اگہ طرف برای نهار پیاد میگیریم:

Come over for lunch

توی مکالمہ میگہ:

My boss and her husband are coming over for dinner.

دوره ی مولتی ویتامین مکالمه با سهیل سام

1_Unit-1

رییسم و همسرش دارن برای شام میان خونه مون.

مثلاً میخوام پگم برادرم برای نهار داره میاد خونه مون :

My brother is **coming over** for lunch.

حالا پپریمش توی گذشته ، برادرم برای نهار اومد خونه مون :

My brother **came over** for lunch.

نکته 5 : به الگوی دیگه با need داریم :

The house needs to be spotless.

الگو به این صورته :

Something needs to be + adjective

لازمه به چیزهای فلان باشه.

The house **needs to be** clean.

لازمه خونه تمیز باشه.

The dinner **needs to be** ready at 8.

لازمه شام ساعت 8 آماده باشه.

You **need to be** ready for the exam.

لازمه برای امتحان آماده باشی.

نکته 6 : بچه ها وقتی **یه چیزهای خیلی ضروری** میتونین پگین :

This can't wait!

و برعکس وقتی **یه چیزهای ضروری نیست**، اورژانسی نیست ، میتونیم پگیم :

This can wait!

نکته 7: پریم chores های داخل مکالمه رو با عکس مرور کنیم :



Do the dishes



Sweep the floor



Mop the floor



Get the groceries



Dust the furniture



Set the table

توی مکالمه میگه :

The furniture needs to be dusted.

یعنی باید لوازم خونه گردگیری بشه.

اینجا dusted قسمت سوم فعل dust به معنی گردگیری کردنه.

پاژیه ساختار داریم برای need

Something needs to be done.

اینجا باید از قسمت سوم فعل استفاده کنی ، یعنی لازمه فلان کار انجام بشه.

The cake needs to be cooked.

لازمه کیک پخته بشه.

cooked قسمت سوم فعل cook هست ، با قاعده س ، ed گرفته.

This car needs to be fixed.

لازمه این ماشین تعمیر بشه.

The dishes need to be washed.

لازمه ظرفها شسته بشه.

نکته 8 : ایشونم خیلی توی محاوره رایجه :

You know what

میدونی چیه

اینو میگی و در ادامه ش حرفتو میزنین ، عین فارسی.

You know what, I have to pick something up at the mall.

میدونی چیه، باید از فروشگاه یه چیزی بخرم.

آها، نکته همین جاست، توی معاوره **pick something up** میتونه به معنی خرید کردن از یه فروشگاه باشه.

I **picked up** some fruit on the way home.

توی مسیر خونه مقداری میوه خریدم.

توی مکالمه هم داریم که میگه:

Can you pick up a bottle of wine on your way home?

میتونی یه بطری مشروب توی مسیرت به خونه بخری؟

نکته 9:

Here is the list of all the things you need to get.

این **here is** هم خیلی استفاده میشه! وقتی میخواین یه چیزی رو به کسی بپید، میتونین ازش استفاده کنین. توی فارسی میگیم **اینم** لیسته تمام چیزهایی که باید بخری. یه جای دیگه هم گفت:

Here's a list of chores we need to get done.

اینم یه لیست از کارهای خونه که باید انجام بدیم.

نکته 10:

I'm back

من برگشتم.

Just a sec!

فقط یه لحظه.

خواست باشه **sec** مخفف **second** به معنی ثانیه س!

I'm just gonna vacuum this rug real fast.

فقط میخوام (این فرش رو خیلی سریع جارو کنم (پا جارو پرقی)

یه الگوی خوشگل داری اینچا:

I'm just gonna do something.

فقط میخوام فلان کارو انجام بده.

فقط قصد دارم فلان کارو انجام بدم.

حواستون باشه که gonna مخفف going to هست.

یعنی قصد دارم ...

I'm just gonna call my mother.

فقط میخوام به مامانم زنگ بزنم.

I'm just gonna check this out.

فقط میخوام اینو چک کنم.

Don't hurry. Don't worry. Do your best and let it rest.

